

مجموعه کتب مردستان ۳

آن مرد

به اهتمام: محمد علی صمدی

صمدی، محمد علی

مردستان ۳: آن مرد / نویسنده محمد علی صمدی. - تهران: مؤسسه فرهنگی

هنری شهید آوینی؛ مشهد: پیام فاطمیون، ۱۳۸۲.

۷۱ ص - بهاء: ۷۰۰۰ ریال - شابک: ۹۵۷۶۲-۹-۵-۹۶۳

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیها.

۱. نجفی رستگار، کاظم - سرگزشتنامه. ۲. ستوده، محمود. ۱۳۳۵ - ۱۳۶۲ =

سرگزشتنامه. ۳. جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ = شهیدان =

سرگزشتنامه. الف. مؤسسه فرهنگی هنری شهید آوینی. ب. عنوان.

۹۵۵ / ۰۸۳۳۰۹۲

DSR ۱۶۲۶ / ۳

م ۸۲۵ ص



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

نام کتاب: مردستان ۳ (آن مرد)

نویسنده: محمد علی صمدی

ناشر: پیام فاطمیون

نوبت انتشار: اول پائیز ۸۳

طراحی جلد: مرکز فرهنگی تبلیغی آفتاب A

شمارگان: ۳۰۰۰ جلد

تعداد صفحات: ۷۱

قطع: پالتویی

چاپ: شرکت تعاونی اطلس چاپ خراسان

قیمت: ۷۰۰۰ ریال

ISBN: 964-95764-9-5

شابک: ۹۵۷۶۲-۹-۵-۹۶۳

مؤسسه فرهنگی هنری شهید آوینی www.Avinyn.com تلفن: ۸۸۵۷۲۱۳۸

مرکز توزیع:

۱ - تهران - خ طالقانی - تقاطع شهید مفتح - فروشگاه عرضه محصولات فرهنگی

۱۳ آبان تلفن: ۸۸۳۲۲۵۲

۲ - تهران - میدان انقلاب - خ کارگر جنوبی - پاساژ مهستان - طبقه دوم - فروشگاه

شماره یک - مرکز فرهنگی تبلیغی آفتاب A - تلفن: ۶۶۶۳۸۱۹۲ - ۶۶۹۳۳۳۲۰

۳ - مشهد مقدس - خ فداییان ۳ - انتشارات پیام فاطمیون - تلفن: ۸۵۹۰۲۹۱ - ۵۱۱

مقدمه

به نام نامی حضرت امیرالمومنین علی بن ابی طالب
(صلوات الله علیه)

در ابتدا سلام بر چهارده شهسوار آفرینش از «خاتم
الانبیاء» تا «خاتم الاوصیاء» (صلوات الله علیهم)، سلام بر
همه جان باختگان طریق حق و حقیقت از «هابیل» تا
«شهدای کربلا» و از آن جان‌های تابناک تا سربازان
بی ادعای حضرت روح‌الله (سلام الله علیه)، و لعن و نفرین
الهی بر همه پیروان مستکبران و طواغیت، از «ابلیس» تا
شیاطین کوچک و بزرگ معاصر، از هر قوم و قبیله و ملت،
و پناه بر خدا از مکر نفس اماره فردی و جمعی.

جماعت سلام

آن چه در پیش رو دارید نگاهی است از سر اجمال، بر حیات مردانی جهان آشوب که روزگاری در میان ما و بر خاک همین سرزمین می‌زیستند و امروز اجساد آنان در خاک آرمیده و از دست‌های بریده و پهلوه‌های دریده و سرهای منقش شده آنان، از غریب «الله اکبر» آنان، از دل‌های پولادین و لب‌خند آسمانی و جان‌های حیدری آنان هیچ بر جای نمانده است جز خاطراتی که شنیدن و خواندنشان، جگر هر آزاده خسته از وضع موجود را می‌گذارد.

آن چه خواهید خواند، حکایتی است که امروز به افسانه و قصه می‌ماند اما به ساحت قدس مولا امیرالمؤمنین (صلوات الله علیه) سوگند که حقیقت همان است که آن مردان مرد کردند و آن چه من و تو گرفتار آنیم، نقش بر آب زدن است و بس.

حال تو خواهی باور کن، خواهی نکن.

نگارنده این سطور، سعادت مصاحبت با هیچ‌یک از آن مردان مرد را نداشته است اما به لطف صاحب ذوالفقار، توفیق آن را داشته که در سایه سار یاد و نام آنان، نوجوانی و جوانی خود را گذرانده و همه وجود خود را مرهون همین سایه سار پرتراوت می‌داند.

پیش از مطالعه این کتاب ذکر نکاتی ضرورت داشت که در پی می آورم:

اول: اذعان می کنم که کتاب حاضر مرثیه ایست برای وجود ملکوتی آنانی که امروز جهان اسلام بیش از پیش به وجود و حضورشان نیازمند است. آنان که افق دیدشان هیچگاه به مرزهای سیاسی و جغرافیایی محدود نبود و امید به روزی داشتند که با دستان خود، پرچم اسلام را بر قلل رفیع عزت و کرامت به اهتزاز درآورند و این سودای خویش را تا لحظه پرواز به ذره ای غبار شک و تردید نیالودند. امروز چه خالیست جای آنان. نگارنده هیچگاه قصد مدح و ستایش آن فاتحان جبهه های نبرد با نفوس اماره فردی و جمعی را ندارد، چه آنان بی نیاز از مدیحه سرایی چونان منی هستند. مقصد این قلم آن بود که در نهایت، خوانندگان این سطور قطره اشکی بر چشم آورند که ایمان دارم این اشک منشاء خیرات فراوانی خواهد شد. دوم: همه آن چه در این مجموعه آورده شده جز حقیقت نیست و صاحب این قلم هر مطلبی را که ذره ای شبهه دروغ و حتی زیاده گویی و اغراق در آن وجود داشت حذف کرده است. شاید برخی از روایات این کتاب، در روزگار حاضر، برای برخی اذهان مباله آمیز به نظر بیاید، اما این را باید به سبب دوری ساحت این روزگار، از ساحت

آن زمره دلیری و انتظار است و بس. این حقیر، باور دارد که صاحبان حکایاتی که خواهید خواند نه از جنس ملک بودند نه در ساحت عصمت قرار داشتند. آنان قومی بودند از خاک و آب و آتش که چون من و تو دم و بازدمی داشتند و خورد و خوراک.

چون پدران و مادران خود در کشاکش زندگی تقلا می کردند، عشق می ورزیدند و نفرت دشمنان را در سینه داشتند. نه نور می نوشیدند، نه بالی برای پرواز به آسمان هفتم داشتند، اما نفس اهورایی پیری بر گونه پیامبران ملتی را که روزمرگی و بسی تفاوتی روحش را مسح کرده و جوانانش، غیرت را به غرایز حیوانی خود فروخته و در برابر هر تجاوز و تعدی خصلت مردگان یافته بودند و در منجلاّب متعفن «نفس مداری» غوطه می خوردند جانی دوباره بخشید و از آنان سپاهی ساخت که امثال حاج همت و حاج احمد سرداران آن شدند. جوانانی که طبع و طبیعت جوانی و می بایست آنان را به سوی تلذذ و تمتع از مواهب زندگی می کشاند، با یک سخن آن خلق صالح انبیاء و ائمه (صلوات الله علیهم) از همه چیز می گذشتند و با فریاد «الله اکبر» هزار، هزار، پای در میدان هایی نهادند که در آنها حتی یک احتمال برای زنده ماندن وجود نداشت...

تسلیم در برابر ولایت و عشق به ساحت معصومین، آن

جوانان کم سن و سال را به جایی رساند که حضرت روح الله (سلام الله علیه) پس از مطالعه وصایای آنان، خطاب به پیران مدعی قوم بانگ زد: «هشتاد سال عبادت کردید، خدا قبول کند، بروید وصیت نامه شهدا را بخوانید» و این همه برای آن شیران و زنان مرگ آگاه حاصل نشد مگر به بهای فتح الفتوح در جبهه جهاد اکبر و پای نهادن در میادین جهاد اصغر و من و تو نیز اگر چشم طمع بر بلندای آسمان را داریم باید بهای آن را پردازیم که: «ملکوت را به بها دهند و به بهانه ندهند».

سوم: سعی کرده‌ام حتی المقدور از ادبیات کلیشه‌ای و خسته کننده مرسوم شده توسط برخی نهادهای متولی نشر آثار شهدا اجتناب کنم.

چهارم: آن چه در باب زندگی هر سرداری خواهید خواند، گلچینی است از مطالعات، مصاحبه‌ها و تحقیقات حقیر، طی ده سال گذشته و همه ابعاد زندگی آن گلهای سر سبد شرافت و کرامت را در بر نمی‌گیرد.

پنجم: اهتمام نگارنده بر حفظ امانت در نقل آثار و اقوال شهدا بوده است. وصیت نامه‌ها، یادداشت‌ها و فرمایشات سرداران شهیدی که نامشان در این کتاب آمده است همگی عیناً با متون اصلی و یا نه‌اره‌ای صوتی تطبیق داده شده‌اند و سعی شده است تا حتی اشتباهات انشائی و

یا گفتاری موجود در آنها حتی المقدور دست نخورده باقی بماند.

ششم: افراد بسیاری در فراهم آمدن این مجموعه طی سال‌های گذشته مشوق و مددکار حقیر بوده‌اند؛ علی‌الخصوص برادران بزرگم، حضرات آقایان: علیرضا کمره‌ای، حسین بهزاد و حمید داوودآبادی که جدی‌ترین محرکین اینجانب در کتابت آثارم بودند. همچنین تشکر می‌کنم از واحد نشر مؤسسه فرهنگی و هنری شهید آوینی که با پیشنهاد و پیگیری خود باعث چاپ «مردستان» شد. هفتم: این کتاب را تقدیم می‌کنم به سه مرد و سه زن: - به پدرم، که به من آموخت «بی‌عشق خمینی نتوان عاشق مهدی شد».

- به جناب مرتضی شادکام، که در حساس‌ترین مقطع حیاتم، همه تلاش خود را به کار بست تا در مسیر تحقیقات و مطالعاتم، با کمترین موانع و مشکلات مواجه شوم و از هیچ یاری و همراهی دریغ نکرد.

- به برادر بزرگم آقای حمیدرضا هنرور که پس از پدرم، نمونه کاملی بود از اخلاق اسلامی و به من آموخت که هیچ آرزوی حقی، دست نیافتنی نیست.

- به مادرم که پافشاری در دین و سماجت در راه نیل به مقصود را از او آموختم.

- به بانو فاطمه قاسمی که مشقات فراوانی در مسیر فعالیت‌هایم از جانب این حقیر متحمل شد و با صبر خود مرا شرمنده نمود.

- به بانو «فروز رجایی‌فر» که بسیاری از مردان، باید نبرد مردانه را از او بیاموزند.

هشتم: از تمامی کسانی که اسناد، مدارک و یا توصیه و سفارشات برای تکمیل هر چه بیشتر این اثر در اختیار دارند خواهشمندم، از یاری این حقیر برای پربارتر کردن چاپ‌های بعدی این اثر دریغ نفرمایند.

نهم: ای شمایانی که در انتظارید تا بال در بال فرشتگان، بر ساق عرش جولان دهید، دیر یا زود ساعت معراج فرا خواهد رسید. چه سرخ، چه سبز، چه خاکستری، چه کبود، تفاوتی نمی‌کند، غرض رستن از دام زمین و قریب زمینیان است.

به امید آزادی قدس و کربلا

یا حق - التماس دعا

محمدعلی صمدی

محرم الحرام ۱۴۲۶